

به نام خداوند جان و خرد

سرکوب فرهنگیان

خودزنی حکومت بود

بیانیه شماره 7

سپاس بیکران خداوند یکتا را که نعمت حق طلبی و بیداری و آگاهی را نصیبمان ساخته باشد که از این نعمت الهی کمال استفاده را برده و حقوق مسلم و انسانی خویش دست یابیم. سپاس رزمندگان و رزم آوران راه عشق را که در اوج سرکوب و شکنجه و زندان، همچنان راه رهایی را پیموده، حتی لحظه ای هراس از حرکت را به خود راه نداده اند.

هم میهنان، همکاران، معلمان

بالاخره بیدار شدیم. هر چند اندکی دیر، اما وقتی که چشم از خواب غفلت و خودفریبی گشودیم آسایش و آرامش را بر انسان ستیزان حرام کردیم. دیر برخاستیم، اما وقتی برخاستیم با تمام وجود برخاستیم و جهانیان را از پایان خواب بیست و سه ساله خویش آگاه ساختیم. نه اینکه نمی دانستیم و ظلمها را نمی دیدیم و اشکها را احساس نمی کردیم و گرسنگیها را تجربه نکرده بودیم. نه، نه، ما می دانستیم چون از همین خاک و ملکیم و همسان با دانش آموزان پابرهنه در سر کلاسها حاضر می شدیم و درس می دادیم و درس می گرفتیم. اما اگر سکوت می کردیم، سکوت ما حاصل از خودفریبیها و باورهای دوزخیمان بود. ما نیز با فلاکت زندگی در کشورمان آشنایم چون قربانیان همین فلاکتیم و از همین گرسنگان سرخ روییم.

نمیدانیم چه بر سر این خاک و این ملت و نسل کاوه و آرش آمده که یارای سخن از حق گفتن را از کف دادند!! وای بر بزرگان حق طلب که عمر خویش را چون شمع به پای من و تو و این نسل سوزاندند تا درس آزادی را آموزشیم. وای بر کاوه و آرش. وای بر مصدق. وای بر دو پرستوی عاشق، داریوش و پروانه فروهر و وای بر... و وای بر ما

دیدیم که اعتراض به حق و قانونی و آرام ما را چگونه با چوب و دشنه و زندان پاسخ دادند. دیدیم که چگونه بر تارك آن معلم گرسنه کوبیدند، دیدیم که چگونه گونه های آن زن آموزگار را دریدند و دست ها را شکستند و قلمها را هم. و تجربه کردیم آن دولت پاسخگو، آن مردم سالاری دینی، آن مجلس اصلاح طلب و ذات پلید دیوسیرتان مذهبی نما را. وای بر ما. اگر جبراً دیدگانمان را باز بندیم. ولی بر ما اگر نتوانیم حقوق از دست رفته خویش را که حق مسلممان است باز یابیم. وای بر ما اگر هر اس از برخاستن را بر دل خود راه دهیم و باز هم بسکوت پیشه کنیم

دیدیم مدعیان رسالت تدین و دین سالاری!! چگونه از برخاستن ما هراسیدند و سعی در سرکوب این قشر زحمتکش نمودند. زهی خیال باطل که این سرکوب خودزنی حکومت بود. چرا که ما نه تنها دست از حق طلبی خویش برنداشتیم بلکه با قلبی مطمئنتر دل به ایثار و از خودگذشتگیمان در راه کسب حق خویش بسته و با تمام وجود پا به عرصه مبارزه و ستیز با انسان ستیزان نهادیم. از همین روی است که دیگر نام جامعه معلمین معترض به امور معیشتی فرهنگیان را با نام جامعه فرهنگیان مبارز عوض کرده و از این پس با گامی استوارتر به مبارزه برای حق طلبی تن خواهیم داد

معلمان، فرهنگیان و دانش آموزان

طبق آخرین تصمیمات اتخاذ شده از سوی جامعه فرهنگیان مبارز و برخورداری از حمایت های کارگران و همچنین کارمندان دانشگاههای سراسر کشور دو روز بیست و بیست و یک بهمن را روز اعتصاب و اعتراض کلیه فرهنگیان و حمایت کنندگان اعلام نموده و از کلیه هم میهنان نیز دعوت به عمل می آورد که با شرکت در این اعتصاب همگانی ما را در این امر یاری فرمایند

همچنین شنیدیم که آقای مهندس طبرزدی، این بزرگمرد مبارزه و این اسوه مقاومت و صبر همچنان در زندانهای بی نام و نشان و مخوف زیر فشارهای روحی و جسمی قرار داشته و طی کسب آخرین اخبار دریافتیم که نامبرده در اعتصاب کلام و غذای نامحدود به سر می برد. همانطور که بارها و بارها پیامهای گوناگون وی را در مصاحبه ها و بیانیه ها در حمایت از فرهنگیان شنیدیم، پس بر ماست که از او تجلیل به عمل آورده و تقاضای آزادی بدون قید و شرط وی را نمایم بنابراین روز شنبه بیست بهمن ضمن اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوق از دست رفته خویش از وی حمایت نمایم

ضمن اینکه روز بیست و یک بهمن نیز با حضور
گسترده خود در پارک ملت تهران از حقوق خویش
دفاع خواهیم کرد. پس وعده ما:

ساعت 14 میدان انقلاب مقابل دانشگاه تهران 20/11/80

ساعت 14 پارک ملت تهران 21/11/80

جامعه فرهنگیان مبارز